

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۰۸

شهرزاد اعتمادی<sup>۱</sup>، علیرضا مستغنی<sup>۲</sup>

## ایجاد فضای کاشانه در پرورشگاه با تأسی از حس مکان بررسی موردی: مجتمع خدمات بهزیستی پرورشگاه آمنه تهران<sup>۳</sup>

### چکیده

کودکان بی‌سرپرست به دلیل محرومیت از محیط خانواده و دوستان دارای مشکلات هویتی- شخصیتی فراوانی هستند و محیط پرورشگاه به‌عنوان کاشانه‌ای که در آن سکنی گزیده‌اند، تنها همراه همیشگی آنان محسوب می‌گردد. بنابراین احساس تعلق خاطر به چنین مکانی به دلیل نقشی که حس مکان در شکل‌گیری هویت کودکان ایفا می‌کند، به مراتب نسبت به کودکان عادی از اهمیت بیشتری برخوردار است. پژوهش پیش رو بر آن است تا ما را در راستای پاسخ دادن به این پرسش رهنمون گردد که «تأثیر حس مکان در ایجاد فضای مطلوب اقامتی کودکان بی‌سرپرست چگونه است؟». بنابراین ابتدا در بخش نظری به مطالعه منابع کتابخانه‌ای پرداخته شده و در ادامه با تحقیق میدانی و بر اساس یافته‌های بخش نظری، راهکارهای عملی ارائه گردیده است. از این‌رو پس از بررسی معضلات کودکان در محیط‌های پرورشگاهی، ضرورت ایجاد حس مکان جهت رفع برخی از این مشکلات مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن و نقش هر یک از این عوامل در بهبود فضای پرورشگاه بیان گردیده است. از نتایج بررسی موارد مذکور می‌توان به اهمیت عوامل کالبدی، مشارکت در طراحی مکان و عوامل فعالیتی- تعاملی جهت بهبود فضای پرورشگاه برای ایجاد حس مکان و فضای کاشانه در طراحی مکان مطلوب اقامتی- پرورشی اشاره نمود. به همین منظور راهکارهای ارائه شده، دسته‌بندی گردیده است و در انتها جهت بررسی عملی عوامل ذکر شده، مجتمع خدمات بهزیستی شیرخوارگاه آمنه به‌عنوان نمونه موردی تحلیل شده است.

**کلیدواژه‌ها:** کودک بی‌سرپرست، پرورشگاه، حس مکان، تعلق خاطر، کاشانه.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: shahrzad.etemadi@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

E-mail: Mostaghni@art.ac.ir

<sup>۳</sup> این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد شهرزاد اعتمادی با عنوان «طراحی داخلی مجتمع خدمات بهزیستی شیرخوارگاه و خانه نوباوگان آمنه تهران» با راهنمایی دکتر علیرضا مستغنی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر تهران است.

### مقدمه

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که سال‌های اولیه زندگی کودک در شکل‌گیری شخصیت وی نقش به‌سزایی دارد. بخش زیادی از هویت افراد در سنین اولیه کودکی شکل می‌گیرد و دستیابی به هویت، سبب کاهش اضطراب و رسیدن به عزت نفس در کودک می‌گردد. از این‌رو محیطی که کودک در آن رشد و پرورش می‌یابد، اهمیت زیادی در تعاملات و دلبستگی‌های وی ایفا می‌کند. از سنین پایین، کودکان دچار احساسات و عواطف مثبت و منفی ناخودآگاه در مورد محیط اطرافشان می‌گردند که در نهایت به شکل‌گیری تصاویر قوی مثبت یا منفی در ذهن آنها منجر می‌گردد (Matthews, 1992, 236). از آنجا که کودکان بی‌سرپرست از محیط خانه و خانواده محروم بوده و در پرورشگاه رشد می‌یابند، بنابراین کیفیت محل سکونتشان اهمیت زیادی در شکل‌گیری روحیات آنان ایفا می‌کند.

پرورشگاه در واقع خانه کودک است که در طراحی آن باید مسئله سکونت و آموزش به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار گیرد. در بحث سکونت، ایجاد احساس تعلق به مکان و سکنی‌گزینی مطرح بوده و در بحث آموزش، ارتقای سطح یادگیری و تعاملات کودک جهت شکل‌گیری مطلوب شخصیت وی مورد نظر است. محیط پرورشگاه و تربیت و نگهداری فرزندان در آن، ویژگی‌های خاص خود را دارد که با ساختار و کارکرد خانواده وجه تمایز اساسی دارد. از این‌رو لازم است نسبت به مخاطب موضوع و معضلات وی شناختی اجمالی حاصل گردد. بنابراین در تحقیق پیش رو، ابتدا به معرفی کودکان بی‌سرپرست و بیان مشکلات آنان پرداخته شده است. سپس با تبیین ضرورت ایجاد حس مکان در فضاهای پرورشگاهی، شرح مفاهیمی چون مکان و حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن بیان گردیده و عواملی که معماری در ایجاد آن نقش مؤثرتری ایفا می‌کند، تبیین شده است. به همین منظور ویژگی‌های طراحی مناسب بر اساس عوامل مورد نظر در طراحی برای کودکان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در ادامه نیز با شرح فضای کاشانه و ویژگی‌های آن به تبیین معیارهای طراحی فضای پرورشگاه با رویکرد فضای خانه و کاشانه و بر اساس معیارهای ایجاد حس مکان پرداخته شده است. در نهایت به‌صورت جداول تحلیلی به ارائه راهکارهای بهبود وضعیت سکونت کودکان بی‌سرپرست پرداخته شده است؛ و به‌منظور بررسی کامل‌تر و تجربی موارد ذکر شده در میانی نظری، شیرخوارگاه آمنه تهران به‌دلیل قدمت و اهمیت به‌عنوان بستر نمونه موردی انتخاب شده است تا پس از معرفی و بررسی گاستی‌ها و کمبودهای وضع موجود، راهکارهای عملی جهت ایجاد فضای کاشانه‌ای بر اساس حس مکان ارائه گردد.

### سؤال و روش تحقیق

تحقیق پیش رو بر آن است که برای ارائه راهکارهای بهبود فضای پرورشگاه به سؤالات زیر پاسخگو باشد:

- عمده‌ترین مشکلات کودکان بی‌سرپرست و پیامدهای آن در فضاهای پرورشگاهی چیست؟
- اهمیت و ضرورت ایجاد حس مکان در بهبود وضعیت اقامتی کودکان بی‌سرپرست چگونه است؟
- حس مکان چیست و عوامل به‌وجود آورنده آن در ایجاد فضای مطلوب اقامتی کودکان بی‌سرپرست چه نقشی دارد؟
- مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار حس مکان در زمینه طراحی معماری فضای پرورشگاه کدام‌اند؟

به منظور پاسخگویی به این سؤالات، نوشتار حاضر به روش ترکیبی و در دو بخش نظری و تحقیق میدانی ارائه گردیده است. از این رو در ابتدا به روش کیفی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی شواهد و مدارک اسنادی به جمع‌آوری داده‌ها در زمینه روان‌شناسی کودکان بی‌سرپرست، مشکلات آنها و همچنین حس مکان و زمینه‌های شکل‌گیری آن پرداخته شده است. در ادامه نیز به روش تحلیلی-توصیفی و بر اساس یافته‌های بخش نظری، جدولی تحلیلی-تطبیقی بر مبنای مطابقت یافته‌های روان‌شناسی با عوامل معماری تهیه گردید که مبنای تحقیق میدانی قرار گرفت. بر این اساس شیرخوارگاه آمنه تهران به روش مطالعه موردی تحلیل شد.

### پیشینه تحقیق

پژوهشگران زیادی به مطالعه مکان، حس مکان و عوامل به‌وجود آورنده آن پرداخته‌اند. در همین چارچوب پژوهش‌هایی نیز در زمینه شکل‌گیری حس تعلق به مکان در سنین کودکی صورت گرفته است که به معرفی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری حس دلبستگی مکان در کودکی می‌پردازد. به‌عنوان نمونه چاولا<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «دلبستگی به مکان در دوران کودکی»، نخستین زمان بروز حس دلبستگی به مکان را در میانه‌های دوران کودکی دانسته است (Chawla, 1992, 64). همچنین نتایج حاصل از تحقیقات کورپلا<sup>۲</sup> درباره میزان تأثیر دلبستگی به مکان در کودکی بر شکل‌گیری هویت افراد در بزرگسالی، نشان از اهمیت ویژه ایجاد حس مکان در کودک برای دستیابی به عزت نفس و کاهش اضطراب در بزرگسالی است (Korpela, 2002, 363-373). از طرفی بر اساس یافته‌های استنتاجی چاترجی<sup>۳</sup> سه فاکتور نشان‌دهنده ایجاد حس مکان در کودکان شامل به اشتراک‌گذاری علایق و فعالیت‌ها، تعهد و وفاداری نسبت به محیط است (Chatterjee, 2005, 15). اما در مطالعات انجام شده در کتب و مقالات داخلی به‌طور ویژه به کودکان بی‌سرپرست، فضاهای پرورشگاهی و نقشی که حس مکان در طراحی مطلوب چنین فضاهایی می‌تواند ایفا کند، پرداخته نشده است. اکثر پژوهش‌های انجام شده محدود به پایان‌نامه‌های دانشجویی در زمینه طراحی فضای پرورشگاه است. از این رو مطالعه و بررسی مشکلات کودکان بی‌سرپرست و ارائه الگویی جهت طراحی مناسب فضاهای اقامتی آنها به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه با توجه به حس مکان امری ضروری به‌نظر می‌رسد.

### مبانی نظری

#### کودک بی‌سرپرست،<sup>۴</sup> پرورشگاه،<sup>۵</sup> معضلات و مشکلات

کودکان بی‌سرپرست، کودکانی هستند که به علل گوناگون از حمایت، مراقبت و نگهداری مؤثر توسط خانواده محروم بوده، امکان زندگی در محیط خانواده را ندارند. آنها به‌منظور جلوگیری از آسیب‌پذیری، بی‌پناهی، سرگردانی و عواقب آن در واحدهای مختلف شیرخوارگاه، پرورشگاه و مجتمع‌های خدمات حمایتی به‌طور شبانه‌روزی نگهداری می‌شوند (زنگی بند، ۱۳۹۰، ۹). از این رو چنین کودکانی به‌دلیل محرومیت‌هایشان دچار مشکلات و معضلات گوناگونی هستند که این موارد را به‌طور خلاصه می‌توان در جدول ۱ دسته‌بندی نمود.

جدول ۱. مشکلات کودکان بی سرپرست و نتایج حاصل از آن

مشکلات اجتماعی		مشکلات هویتی و شخصیتی	
پیامدها	دلایل به وجود آورنده	پیامدها	دلایل به وجود آورنده
گریز از زندگی اجتماعی	- دوری از اجتماع و محدودیت در روابط اجتماعی	عصیانگری، پرخاشگری و سرکشی	- بی اعتمادی به محیط و نحوه زندگی در پرورشگاه - بی علاقه‌گی به محیط زندگی و یکنواختی آن - تعداد زیاد بچه‌ها در شبانه‌روزی
فقدان تجربه دوستی و تعاملات صحیح اجتماعی	- تعداد زیاد کودکان و نبود رابطه صحیح کلامی میان افراد	عدم اعتماد به نفس	- نداشتن تکیه‌گاه قوی در زندگی
ترس از محیط اجتماع	- کمبود روابط با خانواده و دوستان	ترس و اضطراب	- دور بودن از محیط خانه و خانواده - احساس عدم امنیت در محیط پرورشگاه - شناخت کم از محیط پیرامون - کمبود محبت و وظیفه‌ای بودن کار مسئولین و مربیان
افزایش بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از اختلالات رفتاری	- عدم پرورش در کانون گرم خانواده و محرومیت از تربیت صحیح والدین	عدم اعتماد، استقلال و مسئولیت‌پذیری	- نبود معیارهای ثابت - تغییر دائمی محل زندگی - تغییر در کادر شبانه‌روزی - نداشتن حس مالکیت و مسئولیت نسبت به محیط و وسایل شخصی خویش - فقدان ایفای نقش و تقسیم کار در محیط پرورشگاهی
انزوا و گوشه‌نشینی	- عدم پذیرش از سوی هم‌سن و سالان و گروه‌های دیگر جامعه	بحران هویت و شخصیت	- کمبود محیط گرم و صمیمی خانواده - عدم احساس تعلق خاطر به افراد و اشیاء پیرامون (به دلیل تغییرات مداوم) - نبود معیارهای ثابت تربیتی و آموزشی (کمبود نقش تربیتی والدین)

منبع: نگارندگان

### ضرورت ایجاد حس مکان در فضای پرورشگاهی کودکان بی سرپرست

همان‌طور که اشاره شد عمده‌ترین مشکل کودکان بی سرپرست به دلیل محرومیت آنها از توجه و حمایت خانواده، بحران هویت، انزوا، ترس از روابط اجتماعی و عدم دلبستگی است. از آنجا که طبق مطالعات انجام شده، حس مکان در به دست آوردن هویت شخصی کودکان نقش به‌سزایی دارد، بنابراین ضرورت ایجاد آن در چنین فضاهای اقامتی-پرورشی بیشتر احساس می‌گردد.

دلبستگی به مکان می‌تواند به علت آنکه در کیفیت زندگی یک کودک سهیم است، در او تأثیرات همیشگی داشته باشد (Chawla, 1992, 73). یکی از ارزش‌های دلبستگی مکان<sup>۱</sup> که به‌طور گسترده بیان می‌گردد کمک به کودکان در به دست آوردن هویت<sup>۲</sup> شخصی‌شان است. علاوه بر این، تعلق به مکان مزیتی تکاملی را برای کودکان جهت رسیدن به نتایج شناختی و اجتماعی بهتر علاوه بر جنبه‌های عاطفی آن فراهم می‌آورد (Chatterjee, 2005, 10). بچه‌های شبانه‌روزی آرامش یک زندگی معمول و آرام را ندارند. در زندگی آنها معیارهای ثابت زیادی وجود ندارد. سیستم زندگی آنان به‌واسطه تغییر در کادر شبانه‌روزی و تغییر مکان زندگی‌شان به علت بعضی تغییرات در سیستم بهزیستی، مرتباً در حال تغییر است. بنابراین محیط زندگی آنان محیطی بی‌ثبات، تغییرپذیر و بدون تمرکز است. محیط پرورشگاه و تربیت و نگهداری فرزندان در آن، ویژگی‌های خاص خود را دارد که با ساختار و کارکرد خانواده وجه تمایز اساسی دارد. در خانواده کودک احساس مالکیت و تعلق دارد و خودش تصمیم می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال اوست که تصمیم می‌گیرد وسایل بازی و حتی لباس‌ها را چگونه در کمد جاسازی کند و به میل خویش آنها را مرتب کند. به‌همین دلیل برای چیزی که دارد ارزش قائل است و در نگهداری آن کوشا است. در حالی که در محیط‌های شبانه‌روزی بنا به ضرورت کارکرد اداری، وسایل و ملزومات بنا به ضرورت جاسازی شده است، حتی محیط زندگی هر چند سال یک‌بار عوض می‌شود و وسایل بازی به‌طور دسته‌جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از همان روزهای اولیه، کودک کمک تجربه می‌کند که به چیزی یا کسی دلبستگی پیدا نکند (شاهزاد، ۱۳۸۴، ۱۳).

این عدم دلبستگی به مکان و افراد، باعث ایجاد مشکلات رفتاری مانند عدم مسئولیت‌پذیری، بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی و نداشتن روحیه اجتماعی در این کودکان شده است. فضاهای پرورشگاهی طراحی شده برای این قشر از کودکان نیز به‌گونه‌ای است که این عدم احساس تعلق خاطر را القا می‌کند. به‌همین سبب می‌توان با ایجاد حس مکان در طراحی فضاهای اقامتی-پرورشی این قشر آسیب‌پذیر از کودکان که از دلبستگی به خانه و خانواده محروم هستند، بستر مطلوب‌تری برای زندگی آنها فراهم آورد. از این‌رو لازم است ابتدا به معرفی حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن پرداخته شود. در ادامه با بررسی تأثیر هر یک از عوامل بر کودکان بی سرپرست به زمینه‌های شکل‌گیری حس مکان در فضاهای پرورشگاهی پرداخته شده است.

### حس مکان، عوامل شکل‌دهنده و نقش آن در بهبود فضای اقامتی کودکان بی سرپرست

شولتز<sup>۳</sup> (۱۳۸۸) می‌نویسد «هستی فضاها از مکان‌ها است نه از خود فضا»، بنابراین طراحی فضا وابسته است به شناخت ما از مکان و آنچه حس مکان نامیده می‌شود (مدیری، ۱۳۸۷، ۶۹). شناخت مکان را می‌توان به‌نوعی به شناخت هویت خود تعبیر نمود. با تعریف کردن مکان‌ها و شکل بخشیدن به آنها (هندسه)، شناخت آنها قابل فهم می‌شود و انسان، مکان و مرتبه خود را در این عالم کشف می‌کند و هویت او نمایان می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۷، ۴۱). حس مکان<sup>۴</sup> به‌معنای ویژگی‌های غیرمادی یا شخصیت مکان است، که معنایی نزدیک به روح مکان دارد (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۸).

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود. که به عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آنها با محیط و تداوم حضور در آن تبدیل می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۸). با بررسی دیدگاه‌های مختلف، عوامل شکل‌گیری حس مکان را می‌توان در ۹ مورد دسته‌بندی نمود. در ادامه به معرفی این عوامل و بررسی میزان تأثیر طراحی معماری بر هر کدام از عوامل مذکور برای ایجاد احساس تعلق در کودکان نسبت به محیط پرورشگاه پرداخته شده است (جدول ۲).

جدول ۲. عوامل شکل‌گیری حس مکان و تأثیر معماری بر عوامل در فضای پرورشگاه

عوامل شکل‌دهنده حس مکان	شرح عنوان	تأثیر معماری بر عوامل در فضای پرورشگاه
عوامل اجتماعی <sup>۱۰</sup>	دلبستگی به مکان با رشد تعامل مثبت افراد و تطابق اجتماعی آنها در مکان، توسعه می‌یابد.	کمبود روابط با خانواده و دوستان و دوری از اجتماع، سبب محدودیت در روابط اجتماعی آنها در قالب تعامل با گروه همسالان و مربیان است. از این رو تأثیر آن می‌تواند در قالب سایر عوامل زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی (مانند عامل فعالیتی-تعاملی) مورد بررسی قرار گیرد.
عوامل فرهنگی <sup>۱۱</sup>	گروه‌ها، خانواده‌ها، اعضای جامعه و فرهنگ‌های مشابه در دلبستگی به یک مکان خاص اشتراک دارند. از سوی دیگر دلبستگی به مکان وابسته به فعالیت‌هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند.	عدم رشد کودکان بی‌سرپرست در بستر فرهنگی خانواده‌ای مشخص با آداب و سنن و ویژگی‌های خاص آن، سبب کاهش تعلقات عاطفی به ریشه‌های فرهنگی و در نتیجه عدم احساس وابستگی می‌گردد. بنابراین تأثیر این عامل نیز در حوزه طراحی معماری قرار ندارد.
عوامل فردی <sup>۱۲</sup>	افراد بر اساس ترجیحات آگاهانه‌ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی آنها است، مکان‌ها را انتخاب می‌کنند و به آنها دلبسته می‌شوند.	تأثیر عوامل فردی (سن، جنس و...) بر کودکان اقلیت مختلف یکسان است. بنابراین کودک بی‌سرپرست از شرایط یکسان با سایر کودکان برخوردار است. از این رو در بررسی عوامل، می‌توان از تأثیر آن به‌طور ویژه بر کودک بی‌سرپرست و فضای پرورشگاه چشم‌پوشی کرد.
خاطرات <sup>۱۳</sup> و تجارب	دلبستگی به مکان عموماً پس از آنکه افراد تجربه درازمدت یا قوی با یک مکان دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرآیند است که مکان معنا می‌یابد.	به دلیل تغییرات دائمی در محل نگهداری کودکان در پرورشگاه‌ها، زمینه شکل‌گیری خاطرات و تجارب در طول زمان کمتر میسر می‌گردد. در نتیجه احساس دلبستگی به مکان کاهش یافته، تأثیر این عامل نیز در طراحی فضا کمتر می‌گردد.
رضایتمندی <sup>۱۴</sup> از مکان	رابطه عاطفی بین فرد و مکان به رضایت وی از مکان و نحوه ارزیابی آن بستگی دارد. و میزان آن وابسته به ادراک فرد از مکان و میزان رضایت او از آن است.	با توجه به کمبود رابطه عاطفی این کودکان با خانواده و اقوام، مکان و رضایتمندی از آن تأثیر بیشتری بر این قشر دارد. که در طراحی فضا به‌طور غیرمستقیم (در قالب سایر عوامل) تأثیرگذار است.

عوامل شکل‌دهنده حس مکان	شرح عنوان	تأثیر معماری بر عوامل در فضای پرورشگاه
عوامل کالبدی	مهمترین عوامل کالبدی مؤثر بر ادراک و حس مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است.	با توجه به حضور دائمی کودکان در پرورشگاه به‌عنوان فضای خانه آنها و محرومیت از برخی عوامل دیگر به‌وجود آورنده حس مکان در این دسته از کودکان، تأثیر عوامل کالبدی در طراحی برای ایجاد حداکثر دلبستگی به‌مراتب بیشتر می‌گردد.
عوامل فعالیتی <sup>۱۵</sup> و تعاملی	در واقع این امر ریشه در نحوه تعامل افراد با مکان کالبدی و اجتماعی در قالب تعاملات شناختی، رفتاری، عاطفی و معنایی دارد که نتیجه آن دلبستگی به مکان است.	با توجه به زندگی دسته‌جمعی کودکان در پرورشگاه، بستر ایجاد تعامل در قالب فعالیت‌های مختلف گروهی وجود دارد. از این‌رو تأثیر این عامل در ایجاد دلبستگی به مکان افزایش می‌یابد.
عامل زمان <sup>۱۶</sup>	عامل زمان یا به‌عبارتی طول مدت سکونت و آشنایی با مکان، در افزایش دلبستگی به مکان نقش مهمی دارد.	با توجه به مدت زمان کوتاه نگهداری کودکان در پرورشگاه و به‌دلیل تغییرات مداوم محل زندگی‌شان، تأثیر این عامل بر کودک کاهش می‌یابد.
مشارکت <sup>۱۷</sup> در طراحی مکان	حضور افراد در فرآیند خلق مکان سبب می‌گردد تا آنها احساس بیشتری نسبت به آن مکان داشته باشند.	با توجه به امکان ایجاد زمینه مشارکت کودکان در مداخله محیط زندگی‌شان در قالب بازی و سرگرمی، تأثیر این عامل بر دلبستگی به محیط پرورشگاه و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری در کودکان زیاد است.

منبع: نگارندگان

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، عواملی همچون ویژگی‌های فردی و عوامل فرهنگی که زمینه‌ساز شکل‌گیری حس مکان محسوب می‌شود، از حوزه اختیارات طراح جهت خلق فضای پاسخگو خارج است. عوامل زمان و خاطرات و تجارب نیز در طی فرآیند شکل‌گیری حس مکان اتفاق می‌افتد. سایر عوامل (مانند مشارکت در طراحی مکان و عوامل فعالیتی-تعاملی) می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری خاطرات و تجارب نیز گردند. بنابراین از میان عوامل ذکر شده، توجه به عوامل فعالیتی و تعاملی، مشارکت در طراحی مکان و کالبدی می‌توانند در طراحی فضاهای پرورشگاهی جهت ایجاد حس مکان تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند. از این‌رو در ادامه به شرح مختصری از عوامل فوق پرداخته شده است.

### عوامل کالبدی

مطالعات فراوانی در زمینه دلبستگی به مکان انجام گرفته است که در این زمینه به نقش کالبد مکان اشاره دارند. مطالعات استدمن که درباره نقش بعد کالبدی مکان بر دلبستگی به مکان صورت گرفته است، به نقش مستقیم آن در رضایتمندی و نقش غیرمستقیم آن بر دلبستگی به مکان اشاره دارد که در عین حال از معانی نمادین مکان نیز متأثر است (Stedman, 2003, 682). همچنین نوربرگ شولتز حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری می‌داند. از نظر وی حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند. شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است. از نظر فریتز استیل نیز مهمترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steele, 1981). از این‌رو به‌طور خلاصه به ویژگی‌های برخی از این عوامل کالبدی که در ارائه



راهکارهای پیشنهادی نقش بیشتری داشته‌اند، اشاره می‌گردد.

- **رنگ:** رنگ‌هایی که کودکان در سنین پایین خواستار آنها هستند، رنگ‌های روشن است که با افزایش سن کودک به سمت رنگ‌های تیره‌تر سوق پیدا می‌کند. در سنین بالاتر استفاده از رنگ‌های ملایم با مرزهای مشخص، جزئیات بیشتر در بنا و انحناهای نرم در طراحی فضا توصیه می‌گردد، اما در مجموع در چنین فضاها پرورشگاهی، رنگ‌های شاد و روشن که در کودک احساسی چون عطفوت، رفاقت، مهربانی و رؤیایپردازی را تقویت می‌کند، توصیه می‌گردد (حضرتی، ۱۳۸۹، ۱۰).
- **نور:** در اتاق‌هایی با نور کم و تاریک کودک احساس ترس نموده، اما در فضاهای روشن، احساس آزادی و نشاط می‌کند (نوری، ۱۳۸۸، ۴۶). فضاهایی با نور زیاد، نور طبیعی و شفاف بر روی بچه‌ها اثر مثبت دارد (کرونر، ۱۳۸۲، ۱۶۴). از این‌رو در طراحی فضاهای اقامتی کودکان استفاده بهینه از نور طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- **اشکال و ابعاد:** کاربرد اشکال مانوس به ایجاد احساس تعلق خاطر به فضا در کودکان (به‌خصوص در پرورشگاه‌ها) کمک می‌کند. کودکان در هر فضای جدید به چیزی آشنا و مانوس احتیاج دارند. به‌خصوص برای بچه‌های خیلی کوچک پرورشگاه، این شکل‌ها به معنای نوعی رابطه با خانه است (زنگی‌بند، ۱۳۹۰، ۱۲).
- **طبیعت:** طبیعت، یک کامل‌کننده ضروری برای محیط کودک است. با استفاده از عناصر طبیعی مانند آب، نور، گیاه و مانند آن در فضا، می‌توان کنجکاوی و انگیزه کودک برای بازی و فعالیت را افزایش داد؛ و از این طریق احساس دل‌بستگی به محیط پرورشگاه را در وی تقویت نمود (شاهراه، ۱۳۸۴، ۴۹).
- **مصالح:** در بین مصالح استفاده از چوب برای کودکان جذابیت بیشتری دارد و به همین دلیل نیاز به تنوع و گوناگونی استفاده از آن در ساختمان مهد کودک و پرورشگاه احساس می‌شود (زنگی‌بند، ۱۳۹۰، ۶۵).

### عوامل فعالیتی و تعاملی

یکی از مؤثرترین ویژگی‌های مکان که سبب ارتقای دل‌بستگی به آن می‌گردد، فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان در آن مکان است. در واقع این امر در نحوه تعامل افراد با مکان کالبدی و اجتماعی در قالب تعاملات شناختی، رفتاری، عاطفی و معنایی ریشه دارد که نتیجه آن دل‌بستگی به مکان است (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸، ۴۴). فعالیت به‌عنوان عامل اصلی رشد و یادگیری کودک، فرآیندی است که در پیوند با فضا و محیط کودک، رشد همه‌جانبه او را امکان‌پذیر می‌کند. همچنین محیط با ایجاد فرصت و تحریک و تشویق کودک، در رفتار او تأثیر می‌گذارد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ۸۰). از آنجا که ماهیت دوران کودکی، بازی و اکتشاف است و کودک دوست دارد کنجکاوی و کاوش را همراه با بازی در دنیای خود انجام دهد؛ بنابراین محیط اطرافش باید مطابق با فعل انفعال درونش بوده و حواس و به‌ویژه حس کنجکاوی او را برانگیزد (شاطریان، ۱۳۸۷، ۲۳). بازی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودک دارد؛ زیرا کودکان از این طریق، خوگرفتن با محیط اطراف را می‌آموزند. بازی همچنین یک تجربه اجتماعی است که کودکان در حین تعامل با همسالان می‌آموزند تا عواقب رفتار خود را تشخیص دهند. همچنین بازی نوعی دفاع در برابر اضطراب است و کودک با بازی، خود را به سطح بهینه‌ای از تحرک می‌رساند (گنجی، ۱۳۸۹). بنابراین طراحی فضاهای کودکان باید مطابق با عملکرد و رشد فیزیکی



و شناختی و اجتماعی آنها باشد. عملکرد جسمی، فعالیت‌های حرکتی مثل غلتیدن نرم، پریدن، جست‌وخیز کردن، دویدن و لی‌لی کردن است. رشد جسمی، الگوی رشد بدنی و بلوغ کودکان در فعل و انفعال با محیط، فضاهای داخلی و خارجی و خصوصیات آنها است. عملکرد شناختی و واکنش‌های ادراکی کودکان در ازای فضا و خصوصیات آن محقق می‌شود. عملکرد اجتماعی نیز تعامل کودک با همسالان و بزرگترها است که آنها را قادر به سازش با اقدامات دیگران می‌سازد. رشد اجتماعی، تغییرات احساسات کودکان و طرز کنار آمدن و ارتباط آنها با همسالان را نشان می‌دهد (said, 2007). از این‌رو محیط‌های پرورشگاهی باید به‌صورتی طراحی گردد که پاسخگوی نیازهای فعالیتی و تعاملی کودک باشد؛ به‌گونه‌ای که کودکان از طریق بازی‌های گروهی بتوانند با گروه همسالان و مربیان خود در تعامل باشند و روابط اجتماعی مطلوب‌تری را تجربه کنند.

### مشارکت در طراحی مکان

عامل مشارکت در فرآیند طراحی مکان، عاملی است که ضمن انعکاس دادن نیازها و انتظارات کاربران در مکان، سبب ایجاد حس قدرت و مالکیت در آنها می‌گردد که هر دو عامل مذکور در تقویت و ایجاد دلبستگی به مکان نقش مستقیمی دارند. حضور افراد در فرآیند خلق مکان سبب می‌گردد تا آنها احساس بیشتر و بهتری نسبت به آن مکان داشته باشند (Rivlin, 1987). فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت در عین حال که انعکاس‌دهنده انتظارات و نیازهای افراد نسبت به مکان است، تعیین‌کننده نحوه زندگی آنها در آینده نیز هست (Altman, 1993). هر اندازه که فرد بر محیط پیرامون خود تأثیر و کنترل بیشتری داشته باشد، با آن محیط بیشتر انس گرفته و در حفظ و نگهداری آن تلاش می‌کند (هرتزرگو، ۱۳۸۸، ۱۷۰). در این زمینه استفاده از اجزایی که بتوان از آنها به روش‌های مختلف با هدف سازگاری برنامه‌ها با تغییرات ضروری استفاده نمود، شرکت کردن در فعالیت‌هایی که پس از چیدمان مجدد مبلمان صورت می‌گیرد، مزیت‌هایی چون پیشرفت و تشویق یادگیری، بهبودبخشی توانایی‌ها، افزایش اعتماد به نفس و استقلال و پاسخگویی به نیاز تحت کنترل درآوردن محیط در کودکان را به‌همراه خواهد داشت. در اینجا میزان مشارکت کودک (در قالب بازی) برای تغییر در فضا مانند همکاری در کاشت گیاهان، نقاشی روی دیوار، همکاری در تغییر مبلمان فضا مد نظر است. در این حالت هم تغییر لازم در فضا ایجاد می‌شود و هم کودک آن تغییر را ایجاد کرده است (نقره‌کار و مظفر، ۱۳۸۸، ۴۷). از این‌رو عامل کلیدی در طراحی، قادر بودن کودکان به خلق محیط‌های خودشان است، نه اینکه در فضایی قرار بگیرند که همه چیز برای آنها از پیش تعیین شده باشد. وقتی کودک قادر به درک محیطش باشد، حس کنترل او بر محیط تقویت می‌گردد و علاوه بر امکان قوت‌بخشی به روابط اجتماعی، در بخش‌هایی از محیط فرصتی برای ایجاد منطقه‌ای تحت قلمروی خود را نیز ایجاد می‌کند. ایجاد انعطاف‌پذیری<sup>۱۸</sup> در فضاها به کودک توانایی غلبه بر موانع فکری را می‌دهد و کودک با استفاده از این توانایی می‌تواند رویکرد خود را تغییر دهد و آن را بهبود بخشد (فیشر، ۱۳۸۶، ۲۰). از آنجا که محیط انعطاف‌پذیر امکان خلق ویژگی‌های متفاوت محیطی را فراهم می‌دارد، امکان خلق مکانی خصوصی و خلوت در دل فضاهای بزرگ‌تر را نیز برای کودک به‌وجود می‌آورد. ملموس‌ترین حریم خصوصی در خانه و کاشانه<sup>۱۹</sup> تجربه می‌گردد. به‌نظر می‌رسد باید به تعریف صحیحی از واژه‌ای تحت عنوان کاشانه برسیم تا بتوان هرچه بیشتر و بهتر خصوصیات آن را در مراکز شبانه‌روزی تعمیم داد. در واقع باید به دنبال تأمین خلأ کاشانه برای کودکان بی‌سرپرست باشیم و نه فقط به دنبال تأمین سکونتگاهی برای آنان (شاهزاد، ۱۳۸۴، ۵-۲۴).

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بخش نظری

بر مبنای مطالعات صورت گرفته، به‌طور خلاصه می‌توان از راهکارهای زیر جهت ایجاد حس مکان در فضای اقامتی کودکان بی‌سرپرست جهت ایجاد فضای کاشانه بهره برد. با توجه به نتایج مطالعات، راهکارهای ۳ دسته موارد بررسی شده در بخش نظری، جمع‌بندی شده است (جدول ۳). هرچند در برخی موارد، راهکارها در چند عامل مشترک است که سعی شده است به آن راهکار در زمینه مؤثرتر اشاره گردد.

جدول ۳. راهکارهای پیشنهادی برای ایجاد حس مکان در کودکان بی‌سرپرست پرورشگاه

مؤثرترین عوامل شکل‌دهنده حس مکان در کودکان بی‌سرپرست	راهکارهای ارائه شده بر اساس عوامل مذکور
عامل کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> <li>ارتباط بین درون و بیرون با تداوم محدوده‌های تجمعی و بازی گروهی از فضاهای بسته به سمت فضاهای نیمه‌باز مانند تراس‌ها و کاملاً باز مانند حیاط‌ها و انتقال روح زنیده طبیعت به فضاهای داخلی</li> <li>ایجاد سهولت فضایی با نفوذپذیر کردن فضاها و امکان سهولت حرکت کودک بدون احساس کم‌شدن و امکان کشف زوایای ناپیدای محیط ضمن قابلیت کنترل توسط مربیان</li> <li>استفاده از مصالح طبیعی آشنا و مورد پسند کودکان (چوب، سنگ و...)</li> <li>استفاده بهینه از نور طبیعی در فضاهای داخلی که سبب افزایش نشاط و شادی محیط می‌گردد</li> <li>ایجاد مناظر آرام با کاربرد آب و فضای سبز و کم‌کردن آلودگی صوتی</li> <li>طراحی ارتفاع و تناسب فضا بر اساس ابعاد و تناسب کودک</li> <li>کاربرد رنگ‌های متنوع و متناسب هر گروه سنی برای سهولت جهت‌یابی و دل‌بستگی به محیط</li> <li>طراحی پلان آزاد با گشایش فضایی به‌گونه‌ای که کودک خود را محصور در میان دیوارها نیابد</li> <li>طراحی فرم‌ها با اشکال مأنوس کودکان (مانند خانه، کلبه و...)</li> <li>طراحی فضاها با قابلیت‌های بصری و حرکتی متنوع</li> <li>مکان‌هایی با تناسب کودکان، قلمروهای اختصاصی ایجاد می‌کند</li> <li>به حداقل رساندن مرز فیزیکی بین درون و بیرون (محیط زیست)</li> <li>حداکثر ارتباط بصری به منظر طبیعی، با قرار دادن پنجره‌ها در ارتفاع چشم کودک و ایجاد سبزیگی در پس‌زمینه</li> <li>طراحی فضاهای کوچک و نیمه‌محصور که سبب افزایش احساس نزدیکی، صمیمیت و امنیت می‌شود</li> </ul>
عامل مشارکت در طراحی مکان	<ul style="list-style-type: none"> <li>چندعملکردی کردن فضاها: استفاده از فضاهای چندعملکردی به‌گونه‌ای که کودکان به‌عنوان کاربر اصلی فضاها در تغییرات نقش مؤثری ایفا کنند</li> <li>تغییر در رنگ و نور فضا با طراحی شیشه‌های رنگی متحرک توسط کودک. طراحی پارتیشن‌های سبک با قابلیت تغییر و جابه‌جایی توسط کودکان</li> <li>طراحی مبلمان سبک و قابل جابه‌جایی توسط کودک برای مکان‌های مختلف</li> <li>ایجاد گلدان‌ها و باغچه‌های کوچک برای همکاری در کاشت و مراقبت از گیاهان</li> <li>طراحی به‌گونه‌ای که امکان خلق مکانی خصوصی و خلوت در دل فضاهای بزرگ‌تر توسط کودک از طریق طراحی انعطاف‌پذیر وجود داشته باشد</li> </ul>

مؤثرترین عوامل شکل‌دهنده حس مکان در کودکان بی‌سرپرست	راهکارهای ارائه شده بر اساس عوامل مذکور
عامل فعالیتی-تعاملی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• زنده کردن مسیرهای ارتباطی و فضاهای انتقالی و تبدیل کردن نقش راهروهای باریک از مسیرهای ارتباطی به محدوده‌هایی برای تجمع و تعامل</li> <li>• ایجاد فضاهای فعال و غیرفعال در کل مجموعه: ایجاد محدوده‌های جمعی (فعال) قابل تغییر برای استفاده چندمنظوره (استراحت، یادگیری گروهی،...) و نیز فضاهایی شخصی (غیرفعال) در بخش‌های مختلف</li> <li>• استفاده از شفافیت، امکان حضور در تمامی فعالیت‌های در حال رخ دادن در مجموعه را- هرچند به صورت بصری- به واسطه مجزا و مجرد ندیدن محدوده‌های فعالیتی فراهم می‌آورد.</li> <li>• طراحی گوشه‌های دنج کودکانه و ایجاد پتانسیل‌های مخفی شدن در حین بازی</li> <li>• طراحی مکان‌هایی با قابلیت بازی‌های دسته‌جمعی، نقاشی‌های دیواری، کتیبه‌نویسی و... که در حین آن تعامل کودک با کودکان دیگر افزایش یابد</li> <li>• فراهم آوردن محیطی که امکان ساخت‌وساز توسط کودک وجود داشته باشد مانند ساخت قلعه‌ها و غارهای بازی و...</li> </ul>

منبع: نگارندگان

### بررسی موردی معرفی شیرخوارگاه آمنه

شیرخوارگاه آمنه تهران یکی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مجتمع‌های خدمات بهزیستی برای نگهداری کودکان بی‌سرپرست است. این مجتمع در واقع به‌عنوان مجهزترین مجموعه خدماتی بهزیستی به کودکان تهران است که الگویی برای سایر پرورشگاه‌های داخلی محسوب می‌گردد. به‌همین دلیل در این پژوهش، بنای شیرخوارگاه آمنه به‌عنوان بستر طراحی مطلوب جهت پیاده کردن اهداف ذکر شده در مطالعات و مبانی نظری در نظر گرفته شده است. این شیرخوارگاه تنها مجموعه موجود در تهران است که کاربری آن اساساً برای این منظور طراحی شده است. این مجموعه در خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک و پایین‌تر از بلوار



میرداماد واقع شده است و به نگهداری شبانه‌روزی کودکان زیر سن دبستان اختصاص دارد. این بنا در سال ۱۳۵۳ توسط معماران فرانسوی طراحی شده است. ساختمان آن دو طبقه و با کشیدگی طولی است. این مجموعه شامل بخش‌های متعددی از جمله بخش اداری، خوابگاه‌ها، غذاخوری، اتاق‌های بازی، درمانگاه، بخش قرنطینه و ایزوله، بخش خدماتی، مهد کودک، کتابخانه، مددکاری، روان‌شناسی و فضاهای باز و روباز است.

شکل ۱. عکس هوایی شیرخوارگاه آمنه  
منبع: <http://www.google.com/earth>

### بررسی معایب و کاستی‌های وضع موجود

همان‌طور که اشاره گردید مجتمع خدمات بهزیستی شیرخوارگاه آمنه یکی از مجموعه‌های تقریباً موفق در امر نگهداری کودکان بی‌سرپرست در ایران است که علاوه بر تأمین فضای پرورشگاهی، به ارائه خدمات مشاوره، درمانی و آموزشی نیز می‌پردازد. اما با تمام تلاشی که به‌خصوص در سال‌های اخیر جهت بهبود شرایط نگهداری کودکان بی‌سرپرست در ایران صورت گرفته است، به‌نظر می‌رسد نقش طراحی چنین فضاهایی برای ایجاد بستری مناسب جهت زندگی مطلوب‌تر این کودکان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو در ادامه به بررسی و معرفی برخی از کاستی‌ها و معایب این مجموعه پرداخته می‌شود تا بتوان راهکارهایی مناسب جهت بهینه‌سازی این مکان ارائه نمود.

جدول ۴. بررسی معایب و کاستی‌های وضع موجود

عوامل ایجاد حس مکان	معایب و کاستی‌های وضع موجود	نقشه‌ها و تصاویر
عامل کالبدی	<p>- طراحی کل مجموعه به‌صورت ساختار اداری است که حال و هوای خانه و کاشانه ندارد.</p> <p>- چیدمان اتاق‌ها به‌صورت خطی در اطراف راهرو که تداعی‌کننده فضاهای اداری است.</p> <p>- تداخل عملکردها و ایجاد ازدحام در فضاها</p> <p>- عدم ارتباط بصری با فضای سبز اطراف ساختمان به‌دلیل وجود پنجره‌های باریک و بالاتر از دید کودک</p> <p>- فضای بی‌روح خوابگاهی به‌دلیل وجود راهروهای تنگ و باریک</p> <p>- استفاده از مصالح سرد و نامأنوس برای کودکان</p> <p>- عدم کاربرد مطلوب رنگ‌ها و تأثیر آن بر کودکان</p>	<p>شکل ۲. پرسپکتیو مجتمع پرورشگاه آمنه منبع: نگارندگان</p>  <p>شکل ۳. پلان بخش‌های اقامتی - مقیاس: ۱/۴۰۰۰ منبع: نگارندگان</p>  <p>شکل ۴. پلان مجتمع پرورشگاه آمنه مقیاس: ۱/۴۰۰ منبع: نگارندگان</p> 

نقشه‌ها و تصاویر	معایب و کاستی‌های وضع موجود	عوامل ایجاد حس مکان
 <p>شکل ۵. نمای بیرونی از ورودی اصلی منبع: نگارندگان</p>	<p>- عدم استفاده از نور طبیعی در داخل فضاها و ایجاد مکان‌های کم نور داخلی</p> <p>- کمبود حریم خصوصی و قلمرو شخصی به‌ویژه با وجود پنجره‌های نظارتی مریبان به اتاق‌ها</p>	
 <p>شکل ۶. راهرو تنگ و تاریک منبع: نگارندگان</p>	<p>- ازدحام و عدم آرامش به‌دلیل</p> <p>- تعداد زیاد بچه‌ها در اتاق</p>	
 <p>شکل ۷. پنجره‌های نظارت مریبان به اتاق‌ها منبع: نگارندگان</p>	<p>- چیدمان ردیفی تخت‌ها در اتاق‌ها بدون در نظر گرفتن حریم خصوصی کودکان</p>	
 <p>شکل ۸. اتاق خواب بخش کودکان با چیدمان ردیفی تخت‌ها منبع: نگارندگان</p>		

نقشه‌ها و تصاویر	معایب و کاستی‌های وضع موجود	عوامل ایجاد حس مکان
 <p>شکل ۹. اتاق محصور و کم‌نور تلویزیون و بازی منبع: نگارندگان</p>  <p>شکل ۱۰. بخش آموزشی مجزا از بخش کودکان پرورشگاه منبع: نگارندگان</p>  <p>شکل ۱۱. فضای سبز پیرامونی غیرقابل دسترسی توسط کودکان منبع: نگارندگان</p>	<p>- کمبود فضاهای جمعی و بازی در داخل بنا (قرار دادن اتاق‌های بازی و تلویزیون که رغبتی در کودکان ایجاد نمی‌کند)</p> <p>- فقدان فضاهای جمعی و تعاملی</p> <p>- تفکیک گروه‌های سنی بر خلاف ویژگی‌های محیط خانواده</p> <p>- ایزوله نگه‌داشتن کودکان از افراد جامعه و عدم تعامل با دیگران</p> <p>- عدم ارتباط با کودکان خارج از پرورشگاه و حتی کودکانی که از مهد کودک مجتمع استفاده می‌کنند</p>	<p>عامل فعالیتی- تعاملی</p>
 <p>شکل ۱۲. فضاهای محصور و غیرقابل انعطاف تجمعی و بازی منبع: نگارندگان</p>	<p>- عدم استفاده بهینه از فضای سبز محوطه پیرامون برای کاشت گل و گیاه توسط کودکان</p> <p>- عدم امکان مشارکت کودک در فضاهای مربوط به خویش</p> <p>- فضاهای از پیش تعیین شده با دیوارهای صلب و غیرقابل انعطاف که امکان هیچ‌گونه دخل و تصرف در تغییر محیط را توسط کودک ایجاد نمی‌کند</p> <p>- فقدان مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی به دلیل اقامت موقت و عدم پیش‌بینی شرایط بروز فعالیت</p>	<p>عامل مشارکت در طراحی مکان</p>

منبع: نگارندگان




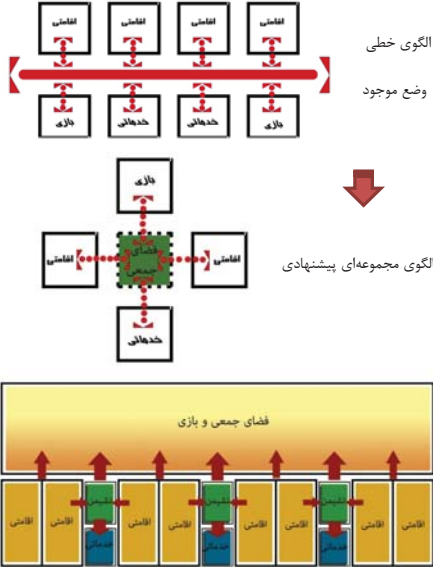
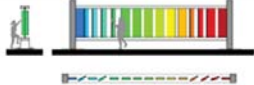

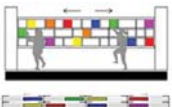
## جمع‌بندی و ارائه راهکارهای پیشنهادی

همان‌طور که اشاره گردید یکی از معایب اصلی وضع موجود طراحی فضای اقامتی به‌صورت خوابگاهی و بیمارستانی به‌صورت ساختاری خطی است. لذا بر اساس دیاگرام پیشنهادی ارائه شده ساختار مجموعه‌ای شبه‌خانواده پیشنهاد می‌گردد. از طرفی با تحلیل فضاهای مختلف خانه و در بستر شهر و محله و همچنین نوع روابط موجود، بر اساس دیاگرام ارائه شده در (جدول ۵) می‌توان فضاهای خانه را با اندکی تغییر در نوع فعالیت و روابط فضایی به‌منظور طراحی الگوواره خانه در پرورشگاه پیشنهاد داد. همچنین با نفوذ فضای سبز اطراف ساختمان‌های بخش اقامتی و ارتباط بصری با محیط پیرامون می‌توان احساسات تعلق بیشتری در کودکان مجتمع ایجاد نمود. بدین ترتیب راهکارهای پیشنهادی، در سه دسته عوامل مؤثرتر بر به‌وجود آوردن حس مکان در کودکان پرورشگاهی (مورد بررسی در جدول ۳) شامل عوامل کالبدی-فعالیتی-تعاملی و مشارکت در طراحی مکان، ارائه گردیده است.

جدول ۵. ارائه راهکارهای پیشنهادی

عوامل ایجاد حس مکان	ارائه راهکارهای پیشنهادی	دیاگرام‌ها و تصاویر
عامل کالبدی	<p>* طراحی بر اساس الگوی پیشنهادی فضاهای خانه جهت ایجاد فضای کاشانه</p> <p>* ایجاد سیالیت و نفوذپذیری در فضاهای برای خلق فضای مطلوب کودکان</p>	<p>شکل ۱۱. دیاگرام فضاهای روابط خانه منبع: نگارندگان</p>
<p>* ارتباط بین درون و بیرون: ایجاد بازشوها و رویکرد بنا به سمت فضای سبز پیرامون</p> <p>* تفکیک فضاهای شب و روز جهت جلوگیری از تداخل عملکردها</p> <p>* ایجاد فضاهای فعال و غیرفعال در کل مجموعه</p>	<p>* حذف راهروهای تنگ و باریک</p> <p>* تبدیل رویکرد فضاها به سمت فضای سبز</p>	<p>شکل ۱۴. دیاگرام پیشنهادی پرورشگاه بر اساس روابط عملکردی خانه و ارتباط درون و بیرون جهت ایجاد حس کاشانه منبع: نگارندگان</p>
<p>* تفکیک عرصه و حریم‌ها بر اساس کاربری برای کاهش ازدحام فضایی و ایجاد فضای مطلوب اقامتی</p>	<p>□ فضای شب</p> <p>□ فضای روز</p> <p>□ فضای روز</p> <p>□ فضای شب</p>	<p>شکل ۱۵. دیاگرام پیشنهادی بر اساس الگوی فضایی خانه و محله و به تفکیک فضاهای شب و روز منبع: نگارندگان</p>



دیاگرامها و تصاویر	ارائه راهکارهای پیشنهادی	عوامل ایجاد حس مکان
 <p>شکل ۱۶. دیاگرام پیشنهادی بر اساس سلسله مراتب حریم و قلمروها منبع: نگارندگان</p>	<p>* تقسیم بندی کاربری ها از فضای خصوصی تا عمومی جهت ایجاد فضای کاشانه</p>	
 <p>شکل ۱۷. الگوی نهایی پیشنهادی بر اساس دیاگرام فضای خانه و راهکارهای ارائه شده منبع: نگارندگان</p>	<p>* تبدیل کردن راهروهای باریک از مسیرهای ارتباطی به محدوده‌هایی برای تجمع و تعامل</p> <p>* ایجاد فضاهای جانبی برای تجمع و تعامل کودکان</p> <p>* طراحی بر اساس سیستم شبه خانواده و الگوی مجموعه‌ای برای ایجاد انعطاف پذیری و امکان حضور بیشتر کودکان در فضا</p> <p>* ایجاد فضاهای بازی و تجمعی وسیع برای حضور کودکان</p> <p>* ایجاد نشیمن های جمعی جهت تعامل بیشتر کودکان با مادران</p> <p>* ایجاد محدوده‌های جمعی (فعال) قابل تغییر برای استفاده چندمنظوره (استراحت، یادگیری گروهی...) و نیز فضاهایی شخصی (غیرفعال) در بخش های مختلف</p>	<p>عامل فعالیتی - تعاملی</p>
 <p>شکل ۱۸. کرکره‌های رنگی با قابلیت تغییر رنگ و نور فضا توسط کودک منبع: نگارندگان</p>  <p>شکل ۱۹. طراحی میلمان سبک و قابل جابجایی توسط کودکان منبع: نگارندگان</p>  <p>شکل ۲۰. پانل های شیشه رنگی با قابلیت جابه جایی صفحات توسط کودک جهت آموزش و بازی منبع: نگارندگان</p>	<p>* ایجاد فضای سبز برای مشارکت کودک در کاشت و نگهداری گیاهان.</p> <p>* طراحی مکان هایی با قابلیت بازی های دسته جمعی، نقاشی های دیواری، کتیبه نویسی و...</p> <p>* طراحی میلمان سبک و قابل جابه جایی توسط کودک</p> <p>* فراهم آوردن محیطی که امکان ساخت و ساز توسط کودک وجود داشته باشد</p> <p>* تغییر در رنگ و نور فضا با طراحی شیشه ها و صفحات رنگی قابل جابه جایی توسط کودک</p>	<p>عامل مشارکت در طراحی مکان</p>

منبع: نگارندگان

## نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی آن بود تا راهکارهایی برای طراحی مناسب‌تر فضاهای اقامتی کودکان بی‌سرپرست ارائه دهد. بر اساس مطالعات و مشاهدات صورت گرفته و پس از بررسی و تحلیل مجتمع بهزیستی آمنه بر این مبنای در مجموع مهمترین راهکار جهت ایجاد احساس دلبستگی در کودکان نسبت به فضای پرورشگاه، شبیه‌سازی فضای خانه و کاشانه است. هر اندازه بتوان محیط پرورشگاه را از لحاظ سیستم نگهداری، کالبدی و روابط عملکردی به محیط خانه نزدیک نمود، می‌توان احساس تعلق خاطر بیشتری در کودکان نسبت به محل سکونتشان به‌وجود آورد. استفاده از الگوی پیشنهادی ارائه شده بر مبنای روابط عملکردی خانه و در قالب سیستم نگهداری کودکان به‌صورت شبه‌خانواده، می‌تواند فضای کاشانه را برای سکونت مطلوب‌تر کودک ایجاد کند. در واقع چنین فضایی ویژگی‌هایی همچون پناهگاه، نظم، هویت و همبستگی را در پی خواهد داشت که می‌تواند پاسخگوی برخی از عمده‌ترین مشکلات بیان شده کودکان بی‌سرپرست باشد. در چنین الگویی عرصه و جریم‌های مورد نیاز هر رده سنی، قلمروهای شخصی و فضاهای جمعی در کنار یکدیگر در طراحی مدنظر قرار می‌گیرد و زمینه بروز رفتارهای فعالیتی-تعاملی و مشارکت نیز ایجاد می‌گردد. بدین ترتیب چنین الگویی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد عوامل شکل‌دهنده حس مکان در کودکان باشد. از این‌رو کودکان احساس دلبستگی و مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به محل اقامت خویش دارد و هویت وی در تعامل با گروه همسالان و مادریاران به‌صورت مناسب‌تری نسبت به فضاهای اداری و خوابگاهی پرورشگاه‌های کنونی شکل می‌گیرد. در پایان لازم به‌ذکر است که راهکارهای ارائه شده در این نوشتار، به‌صورت کلی در جهت بهبود فضای اقامتی پرورشگاه و با توجه به حس مکان تبیین شده است. از این‌رو برای پژوهش‌های آتی، مطالعه جزئی‌تر درخصوص طراحی مناسب‌تر وسایل، تجهیزات و مبلمان چنین فضاهای چند عملکردی (اقامتی-پرورشی) پیشنهاد می‌گردد.

## پی‌نوشت‌ها

1. Chawla
2. Korpela
3. Chatterjee
4. Unaccompanied child
5. orphanage
6. Place attachment
7. Identity
8. Schulz
9. Sense of place
10. Social
11. Cultural
12. Personal
13. Memorabilia
14. Satisfaction
15. Activity
16. Moment
17. Partnership
18. Flexibility
19. Domicile

## فهرست منابع

- حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷) «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص. ۳۹-۵۰.
- حضرتی، مهدی (۱۳۸۹) «طراحی داخلی فرهنگستان کودک شهرستان شهریار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران.
- دانشپور، عباس؛ سپهری‌مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸) «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸، صص. ۳۷-۵۰.
- زنگی‌بند، نیلوفر (۱۳۹۰) «طراحی مرکز کودکان بی‌سرپرست»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات.
- شاطریان، رضا (۱۳۸۷) طراحی و معماری فضاهای آموزشی، نشر سیمای دانش، تهران.
- شاهزاد، سالومه (۱۳۸۴) «بینابینی و شادی فضا (خانه کودک بی‌سرپرست)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۶) روان‌شناسی تربیتی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران.
- شولتز، کریستین تورنبرگر (۱۳۸۸) روح مکان: به‌سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه سیمون آیوازیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵) «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص. ۵۷-۶۶.
- فیشر، رابرت (۱۳۸۶) آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی‌مقدم و افسانه نجاریان، نشر رسش، اهواز.
- کروئر، والتر (۱۹۳۹/۱۳۸۲) معماری برای کودکان، ترجمه احمد خوشنویس و المیرا میررحیمی، انتشارات سایه‌گستر، قزوین.
- کشاورز، فرانک (۱۳۹۰) «تأثیر بازی‌های وانمودی بر افزایش خلاقیت کودکان دختر بی‌سرپرست تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد کرج.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۷) «مکان»، نشریه هویت‌شهر، شماره ۲، صص. ۶۹-۷۹.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ؛ صالح، بهرام و شفایی، مینو (۱۳۸۸) «طراحی فضای مهد کودک بر اساس رابطه بین صفات خلاقیت و ایده‌های معمارانه»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۲، سال هشتم، ص. ۴۷.
- هرترزبرگر، هرمان (۱۳۸۸) درس‌هایی برای دانشجویان معماری، ترجمه بهمن میرهاشمی و بهروز خباز بهشتی، کتاب آراد، تهران.

- Altman, I. (1993) "Dialectics, physical Environments, and personal relationships," *Communication Monographs*, 60, pp. 26- 34.
- Chatterjee, S. (2005) "Children's Friendship with Place: A Conceptual Inquiry," *Children Youth and Environments*, Vol. 15, No. 1, Environmental Health, and Other Papers, pp. 1- 26.
- Chawla, L. (1992) "Childhood Place Attachments," In A. Altman and S. M. Low, eds. *Place Attachment*. Vol. 12. New York: Plenum.
- Korpela, K. (2002) "Children's Environment," In R. B. Bechtel and A. Churchman, eds. *Handbook of Environmental Psychology*, New York: John Wiley and Sons, pp. 363- 373.
- Matthews, M. H. (1992) *Making Sense of Place: Children's Understanding of Large-Scale Environments*, Hemel Hempstead, Harvester Wheat sheaf Sustainable Development Commission (2007) *Every Child's Future Matters*, London, SDC.
- Rivlin, L. (1987) "The neighborhood, Personal identity and Group affiliation," In I. Altman and A. Wandersman (Eds.), *Neighborhood and Community Environments*, New York, Plenum Press.
- Said, Ismail (2007) "Architecture for Children: Understanding Children Perception towards Built Environment," In *Proceedings of International Conference Challenges and Experiences in Developing Architectural education in Asia*, Islamic University of Indonesia, 8- 10 June, 2007.
- Stedman, R. C. (2003) "Is it really a social construction? The contribution of physical environment to Sense of Place," *Society and Natural Resource*, 16, pp. 671- 685.
- Steele, Fritz (1981) *The Sense of Place*, CBI Publishing Company, Boston.

پایگاه مجلات دانشگاه هنر  
journal.art.ac.ir